



نرود تا به قیامت از یاد

نام جاوید شهیدان جهاد

یاد گمنامان گردان ذوالفقار

می کند باز این دلم را بیقرار

به مناسبت سالروز شهادت شهید معزز فخرالدین خلفی (تاریخ شهادت ۱۳۶۴/۷/۵)

زندگینامه شهید گرانقدر تقدیم حضور می گردد .

فخرالدین خلفی، نوزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متدین از اهالی روستای «قره تپه» از توابع زنجان پای به عرصه ی وجود نهاد. وی از جمله ی مردانی بود که وجودشان با عشق آسمانی پیوند خورده است با خون وضو می سازند بر سجاده ی گل یاس سپید به سجده ی معبود می روند، تا به ما بیاموزند که اگر انسان به شکوهمندی شهادت نماز بگذارد، آسمان را در مشت های خود خواهد داشت و در لحظه های

خون و خطر، پایداری و ایستادگی خواهد کرد. از ۱۲ سالگی به کارهای مختلفی روی آورد، از جمله : شاگردی در دکان مسگری، خیاطی، شاگرد شوferی و ... ۱۸ ساله بود که گواهینامه ی پایه یک رانندگی را گرفت. ابتدا در یک شرکت خصوصی راننده شد. سپس به استخدام سازمان آب استان زنجان درآمد، بعد از ۵ سال، در قرعه کشی خرید کامیون شرکت کرده و به کمک یکی از بستگان مبلغی تهیه نمود، قرعه به نامش افتاد و یک کمپرسی ده تن خرید، پس از این اتفاق از سازمان آب بیرون آمد و به طور آزاد کار می کرد. در همین دوره بود که از سوی سپاه و جهاد به او ماموریت داده شد که با وسیله ی نقلیه ی خود کمک های مردمی را به جبهه برساند. وی همکاری اش را با جهاد از تاریخ ۱۳۶۴/۶/۲۴ آغاز کرده بود. نخستین سفری که برای جهاد سازندگی استان زنجان انجام داد، اعزام به محور مهاباد - سردشت بود.

این سفر در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۵، انجام شد، در مینه ی راه (جاده ی مهاباد - سردشت) سنگ بزرگی در جاده می بیند. ماشین را نگه می دارد تا سنگ را از جاده بردارد. با حرکت دادن سنگ بر اثر انفجار مینی که گروهک های دمکرات و کومله کار گذاشته بودند. در روز عاشورای حسینی به شهادت می رسد. فخرالدین خلفی، اخلاق پسندیده و احترام به خانواده و حقوق دیگران، سر لوحه ی رفتارش بود. مردم دار و خوش برخورد بود. وی به مصاف مشکلات می شتافت و چون کوهی استوار در برابرشان می ایستاد و با عزمی راسخ و تدبیری توانا سعی در رفع آن داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی شور و شوق وصف ناپذیری در وجود فخرالدین نشست، چرا که انقلاب را عصاره ی تمامی امیدها و آرزوهای چندین ساله اش می دهد. بنابراین، احساس مسئولیت در مقابل انقلاب، چنین اعتقادی را در وی به وجود آورد که بیان داشت : «در حکومت اسلامی وظیفه ی همه آن است به این حکومت خدمت کنند، هر کس خادم این حکومت نباشد، به گناه مرتکب شده است.» تلاش و کوشش شبانه روزی اش در راه انقلاب نیز این گفته را تایید می نمود.



شهید فخرالدین خلفی





نرود تا به قیامت از یاد

نام جاوید شهیدان جهاد

یاد گمنامان گردان ذوالفقار

می کند باز این دلم را بیقرار

فخرالدین چنان به گفته ی خویش پایبند بود که در راه مبارزه با گروهک های ضد انقلاب، توسط کور دلان نیز یکبار ترور شد که خوشبختانه توطئه ی آنان در آن دوره به ثمر ننشست. این عاشق دل سوخته ی انقلاب تا آخرین نفس و آخرین قطره ی خون، از اسلام و قرآن دفاع کرد. همسرش در این خصوص می گوید: «وقتی پس از پیوستن به جهادگران ستاد پشتیبانی جنگ جهاد زنجان به خانه آمد، بسیار خوشحال بود. از او پرسیدم: چه شده که این قدر خوشحالی؟ گفت: بالاخره فرصت رفتن به جبهه فراهم شد. قرار است از طریق جهاد به جبهه اعزام شوم. گفتم: کی؟ گفت: فردا حرکت می کنیم.»

با چنان شور و شوقی برای عزیمت به جبهه مهیا شد، که گویی تجلی آرمان های خویش را در آن مکان می یافت. شهید فخرالدین خلفی پرستوی سبکبالی بود که نتوانست قفس تنگ تن را تحمل کند. جان را به جانان سپرد و نام خود را تا جهان باقی ماندگار کرد.

گزیده ای از سخنان شهید

«باید مسلمانان جهان به یاری مستضعفان عالم بشتابند و ضد انقلابی ها را به خاک ذلت و خواری بکشانند.»
این شهید بزرگوار ۵ فرزند دارد. چهار دختر و یک پسر، کوچک ترین فرزند وی، هنگام شهادتش تنها ۸ ماه داشت.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد

با صلوات بر محمد و آل محمد و با قرائت فاتحه ای روح آن مرحوم عزیز را شاد گردانیم .



»»» اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان «««